

روایهایی که می آیند

باشگاه ستاره‌های کتاب خوان

سازان گلفر

● در برنامه اکران این هفته علاوه‌بر آثار فیلم‌سازان اسمرورسم‌داری مانند ویم وندرس و پل شرایدر و بازیگران مشهور دو دهه پیش، فیلم‌های موردپسند نوجوانان مانند «دپول ۲» با بازی رایان رینولدز و جاش برولین، کمدی «کارترو جون» و مستندهای «سفر مرد برفی» و «تابستان» حضور دارند که از جمعه، ۲۸ اردیبهشت، روی پرده رفته‌اند.



تازه‌ترین فیلم پل شرایدر، نویسنده فیلم‌نامه «راندۀ تاکسی» و کارگردان «زیگولوی آمریکایی» که اولین‌بار سال گذشته در جشنواره ونیز نمایش داده شد و نامزد دریافت شیر طلایی بود، به کشیش کلیسایی کوچک در نیویورک می‌پردازد که مواجهه با یکی از پیروان کلیسایش، زن بارداری که شوهر فعال محیط زیست او خودکشی کرده است، دنیایش را دگرگون می‌کند. ایтан هاوک، آماندا سایفرد و فیلیپ اتینگر از بازیگران این درام دلهره‌آور با زمان نمایش ۱۰۸ دقیقه هستند.

سگ‌های نمایش
Show Dogs
مکس، سگ پلیس، پس از تلاشی ناموفق برای بازیابی یک پاندای ربوده‌شده، با فرانک، مأمور اف‌بی‌آی، همکار می‌شود. مکس و فرانک در یک مأموریت مخفی برای یافتن پاندا به لاس‌وگاس می‌روند تا مکس ظاهرا در یک مسابقه شریکت کند و هم‌زمان با خطرناک‌ترین قاقاچقیان حیوانات درمی‌افتند. راجا گاسنل این کمدی خانوادگی پرماجرا با زمان نمایش ۹۲دقیقه را کارگردانی کرده است و ویل آرنت، لوارکیس بریجز، ناتاشا لیون، شکیل اونیل و استنلی توجی از بازیگرانش هستند.

پاپ فرانسیس- مردی که به حرفش پایبند است

Pope Francis -- A Man of His Word
ویم وندرس، فیلم‌ساز مشهور آلمانی سازنده «آسمان بر فراز برلین»، «پاریس- تگزاس» و «داستان لیبسون» که در سال‌های اخیر بیشتر به مستندسازی و آثاری مانند «تمک زمین» و «پنا» گرایش پیدا کرده است، در مستند تازه‌اش به زندگی و احوال پاپ فرانسیس پرداخته و او را در سفری همراهی کرده است تا پاسخ رهبر کاتولیک های جهان را درباره تعدادی از مسائل امروز جویا شود؛ از نگرانی‌های عمیق او درباره شکاف فقر و غنا تا تغییرات اقلیمی، عدالت و صلح. زمان این فیلم ۹۲ دقیقه است.



دایان (دایان کیتون) که بعد از ۴۰ سال زندگی زناشویی بیوه شده است، ویوین (جین فاند) که تعلق‌خاطر ندارد، شارون (کندیس برگن) که سال‌هاست طلاق گرفته و سخت مشغول کار است و کارول (مری استینبرگن) که از ۳۵ سال زندگی مشترکش ناراضی است، چهار زن یاسه‌پس‌گذاشته و عضو باشگاه کتاب‌خوانی هستند که یک کتاب همه پیش‌فرض‌هایشان را به‌هم می‌ریزد. در این کمدی رمانتیک پرستاره ۱۰۴ دقیقه‌ای به کارگردانی بیل هولدرمن همچنین اندی گارسیا، کریگ نلسون، دان جانسن، ریچارد دریفوس و آلیشا سیلورستون حضور دارند.

عسل عباسیان: علی راضی، کارگردانی که هم در ایران و هم در فرانسه کار می‌کند و پیش‌تر از او نمایشی مثل «بازگشت پسر نافرمان» را دیده‌ایم، این شب‌ها، «آنتیگون» ژان آتوی را با برداشتی آزاد و با بازی صابر ابر، نوال شریفی و ناتالی منی در سالن استاد سمندریان تماشاخانه اپرانشر روی صحنه می‌برد. با او درباره این اجرا گپی کوتاه داشته‌ایم.

چرا تصمیم گرفتید آنتیگون را به روی صحنه بیاورید؟
ضرورت اجرای این نمایش برای شما در این برهه چه بود؟

چرایی انتخاب آنتیگون نیاز به توضیح در سطوح مختلف دارد چون وقتی که تصمیم می‌گیریم یک اجرای جدیدی را روی صحنه ببریم، این سطوح مختلف ضرورت پیدا می‌کنند. برای من سه پایه اصلی باید جمع شوند تا یک اثر را روی صحنه بیاورم؛ پایه فلسفی، پایه اجتماعی و پایه فردی. در رابطه با آنتیگون در این برهه هر سه این پایه‌ها جمع شدند. یعنی هم از منظر فلسفی آنتیگون پنجره‌هایی را رو به من گشود که فکر کردم می‌خواهم آن را به دیگران هم نشان دهم. هم از جنبه اجتماعی افق‌ها و نشانه‌هایی را به من نشان داد و هم از جنبه فردی چنین بود. اما اگر بخواهم از هر سه این پایه‌ها بگویم، باید توضیح بدهم آنتیگون اولین‌بار پیش از میلاد مسیح توسط سوفوکل نوشته شد و آتجا جنبه‌های مختلف به چالش کشیده شدند؛ ازجمله آنکه سوفوکل در افسانه‌های تباری یکی از مهم‌ترین مقولاتی که به چالش می‌کشد، مسئله س‌ته به معنای ابتدایی شهر است. آنچه ما امروز شهر اطلاق می‌کنیم و در انگلیسی به آن city می‌گوییم، می‌دانیم که در ابتدا س‌ته بوده و این شهرهای رنگارنگ با ساکنان رنگارنگ که امروز ما در آن زندگی می‌کنیم، ادامه آن س‌ته‌ها هستند. یکی از بنیان‌های این س‌ته‌ها مسئله قانون بوده. یکی دیگر از بنیان‌هایشان مسئله قدرت بوده، همین‌طور مسئله تقابل فرد با قدرت و سوفوکل در همان زمان این مسائل را به چالش کشید. از طرف دیگر مقوله فلسفی قابل‌توجه دیگری در تراژدی

گفت‌وگو با علی راضی، کارگردان «آنتیگون»

آنتیگون در حال بازتولید در جهان امروز است



آنتیگون به چالش کشیده می‌شود و آن مقوله تضاد است؛ مقوله نزاع، مقوله نور و تاریکی. همان‌طور که می‌دانیم، نور و تاریکی ابتدا در هم بودند و یکی بودند و بعد تاریکی از نور خارج شد و جنگ نور و تاریکی در گرفت و آنتیگون چنین فضایی دارد. حالا این را بخواهم مشخص‌تر ارتباط بدهم به امروز، این‌طور باید بگویم که ما هم‌اکنون باز به دورانی رسیدیم که این مقولات همگی در چالش هستند. این مقولات در تضاد هستند. انسان شهرنشین بعد از اینکه در تمدن شهرنشینی خودش بسیار جلو رفت، انکار یک بار دیگر به دیوارهای شهرها برخورد کرده و به طغیان آمده. در دوره‌ای که شهرها را آن‌قدر بزرگ کرده‌ایم که هرکسی می‌تواند جایی در آن داشته باشد، منظوم مساحت شهرها نیست، بلکه روح شهرهاست، ولی هنوز شهروندان به دیواره‌های نامرئی شهرها می‌خورند و شهرها به غلغله درمی‌آیند. پس یکی از پایه‌ها برای من این تضاد بود و حس کردم یک بار دیگر مقوله شهر، شهروند و قدرت قابل مطالعه است.

وقتی صحبت از سه پایه می‌کنم، علی‌الاصول از هم جدا نیستند و به هم گره خورده‌اند. یکی از کارهای فلسفه اندیشیدن به وضعیت جامعه است، یکی از کارهای فلسفه اندیشیدن به وضعیت انسان به مثابه

گفت‌وگو با عاطفه پاکباز نیا و روزبه حسینی

فضای رُعب در نمایش «دده‌خانم»



ویدا مدبّر: جواد عاطفه سه‌گانه «خانم» را با گروهی ثابت (بازگر و طراحان نور و موسیقی) ابتدا با دو بخش «خانم ایکس» و «دده‌خانم» و به‌زودی با بخش سوم؛ «خانم» تدارک دیده است. فضای رعب بسیاری در دو نمایش اجراشده، به‌خصوص در نمایش «دده‌خانم» و به‌ویژه در صحنه سوم آن، حاکم است. از عاطفه پاکبازنیا، بازگر و روزبه حسینی، طراح نور ثابت این سه‌گانه، درباره این ویژگی خاص پرسیده‌ایم و آنچه می‌خوانید، حاصل تعامل در گفت‌وگو با ایشان است.

روزبه حسینی: جواد عاطفه توانسته است گروه کوچکی شامل دو طراح؛ طراح نور و طراح صدا، خودش و عاطفه پاکبازنیا تشکیل دهد که از دید من می‌تواند چندین کار دیگر را هم روی صحنه برد. خود من با برخی از اعضای گروه خودم هر کمکی که بتوانم به رویه این سه‌گانه و کارهایی که جواد عاطفه انجام می‌دهد، خواهم کرد. از سوی دیگر بناسد جواد عاطفه با دو نمایش «خانم ایکس» و «دده‌خانم» میهمان رپر‌توار مونولوگ گروه «و ناگهان» در پاییز و زمستان امسال باشد که یکی از این آثار پاییز و دیگری در زمستان اجرا می‌شود. این لذت و مدیریت خوب جواد عاطفه و ارتباط خوبی که میان اعضای این گروه وجود دارد، سبب می‌شود تئاتر درست تولید شود. از دید من کل نمایش، صحنه سوم است: کابوس و درآمدن از وان، اتفاق کلی است، و تمام اتفاق‌هایی که در صحنه‌های اول و دوم در بین صحنه اتفاق می‌افتند، نمایانگر زندگی دده‌خانم است. همچنین اسم دده به کلفت صرف گفته نمی‌شود؛ دده مثل لَیله است که تنها کار او بزرگ‌کردن بچه است. اما دده علاوه‌بر بزرگ‌کردن بچه، وظایف دیگری هم دارد. در این نمایش دده مرده‌شور است و بچه‌ای را به‌دنيا آورده است. بخشی که دده‌خانم در مقابل نور خورشید می‌ایستد، پایان‌بندی نمایش است. به‌شدت می‌توان به مسائل مطرح‌شده در نمایش به‌عنوان زن‌مادر و زمین‌مادر و زایش نگاه کرد. در تکرارها از سوی مری که دده‌خانم درباره‌اش می‌گوید: «یک تف انداخته رفته»، می‌شنویم: «امانتی‌ای که به تو سپردم کجاست»، ناخودگاه مخاطب را به دوران اساطیری، پیشاتاریخی تهمیم، رستم و سهراب هم می‌برد.

عاطفه پاکبازنیا: صحنه سوم برای خودم به‌عنوان بازگر، صحنه نخست نمایش است، چون با وجود اینکه به‌عنوان آخرین بخش مطرح می‌شود، بخشی است که خود من در آن، زندگی می‌کنم و زیست واقعی منی است که این نقش را نفس می‌کشم. شاید ادامه آن، بشود صحنه نخست که با رعب و وحشت به جلوی صحنه می‌آیم. رعب و وحشت در دده‌خانم وجود دارد و به‌صورت مدام و مادام از میان دیالوگ‌ها و اطلاعاتی که درباره گذشته

اما اینکه اینجا ایسمن کسی است که در کودکی به خارج فرستاده شده و سالی یک بار به وطنش بازگشته و حالا به خاطر مرگ برادرانش برگشته، به این خاطر است که مسئله مهاجرت و تبعید هم جزء آن مسائلی است که مبنای فلسفی این اثر است و هم جزء مبانی اجتماعی آن است. من نمی‌توانم در جهانی که پر از زنان و مردان در راه مانده است، در جهانی که پر از آنتیگون‌هایی است که در آن‌ها و راه‌ها باید برادران و بستگانشان را بگذرانند و بگذرند، در نظر بگیرم. برعکس آنها کسانی بودند که از دل تاریکی برای من پیام فرستادند که باید نمایش «آنتیگون» را کار کنی. نمی‌توانم «آنتیگون» را در کشوری که در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ حدود ۳۵۰ هزار نفر از تحصیل‌کردگانش رفته‌اند کار بکنم و بی‌تفاوت باشم به این موضوع و بعد در کشورهایی دیگر همین نمایش را روی صحنه ببرم برای همان مهاجران و باز نسبت به آنها بی‌تفاوت باشم. آنتیگون با فرم و شکل جدید در حال بازتولید در جهان امروز است. بسیاری مجبورند نزدیکانشان را رها کنند و دل بکنند و بروند.

چرا کژن و پسرش همون را یک کاراکتر دیدید؟
اگر بخواهم خیلی سراسرت بگویم، برمی‌گردد به همان بخش صحتم در رابطه با تضاد. اینکه گفتم نور و تاریکی در هم بودند و تاریکی از نور خارج شد و درگیری شکل گرفت. من فکر کردم این جهان می‌تواند یکی باشد. کژن و همون برای من تاریکی و نور بودند و در ابتدا! یک دنیا بودند که از هم جدا شده بودند. من روی جنون کژن هم خیلی فکر می‌کردم و این یکی‌شدن و بعد جاداشدن به این جنون کمک می‌کرد.

چرا صابر ابر را برای ایفای این نقش انتخاب کردید؟
هر سه بازیگر این کار انتخاب‌های اول من بودند. نوال شریفی و ناتالی منی که سال‌هاست با من کار می‌کنند. با صابر ابر هم قرار بود از قبل کار کنم اما وقتی می‌خواستم آنتیگون کار کنم، فقط صابر به ذهنم رسید و به نظر بهترین انتخاب بود برای باتاب‌دادن هر دو دنیای نور و تاریکی.

ادراک زیبایی‌شناسانه من و جواد عاطفه از تئاتر همین مسیر را طی می‌کند. از دید من سردی‌ای که مدنظر جواد عاطفه بود و تاش‌هایی به‌رنگ آبی که کمی به سبز متمایل می‌شود، در زمان خواندن آیات و روایات به زبان عربی به چشم می‌خورد. البته برای طراحی نور، باید لباس را هم در نظر می‌گرفتم که متفق‌القول به این نتیجه رسیدیم که رنگ خاکستری به‌عنوان رنگ خنثی باشد تا بتوانیم بازیگر را در تواناییته‌های رنگی متفاوت ببینیم و نور به لباس معنا بدهد. اما پیش‌بند، دستکش‌ها و کفش‌ها را زرد انتخاب کردیم که بتواند خود را به رخ بکشد. البته زن از رنگ زرد که رنگ جنسیت و شیفتگی بی‌اندازه است، حرف می‌زند. تلاش کردیم رنگ زرد بیشتر به چشم بیاید. ازسویی دیگر وقتی بازیگر وارد صحنه‌ای می‌شود که تنها اکسسوار او یک وان است، کاری دشوار در اختیار دارد؛ بنابراین تلاش کردم با نور، بازیگر را در موقعیت قرار دهم. به یاد دارم زمانی که در نخستین شب، نور روی وان را بستیم، حال عاطفه دگرگون شد و در موقعیت قرار گرفت.

عاطفه پاکبازنیا: با وجود اینکه دده‌خانم یک موجود زنده است، هیبت موجودی غیرطبیعی را می‌بینید که انکار از موجودیت انسان فاصله دارد؛ گویی همه‌چیز را می‌سجد و سپس آنها را پس می‌زند و دوباره دچار دلهره می‌شود و توهم‌ها و غدغه‌های ذهنی به‌سراغ او می‌آیند. تاکیدی که بر ترس وجود دارد، حتما در تمام نمایش در این آدم وجود دارد. با اینکه با جسارت، بسیاری از مشکلات را حل می‌کند، اما نباید فراموش کنیم که این آدم در مقابل پوچی مطلق که می‌تواند جزاءه پسرش یا هیچ باشد، قدرت حرف‌زدن دارد. واقعیت ترس نهفته درون این زن است. شاید این ترس به دده‌خانم قدرت مقابله با برخی مسائل را داده است. قرارگرفتن در هرکدام از فضاهای نوری هم شرایط را کامل و هم همراه با ساخت صدای هماهنگ با این فضای نوری، وضعیت من را تشدید می‌کند.

روزبه حسینی: هوشمندی جواد عاطفه در این است که من را به‌عنوان یک نویسنده، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس که طراحی نور هم انجام می‌دهم، به همکاری فراخوانده است. جواد می‌داند که من فقط تکنسین نور نیستم و از فهم من از متن هم استفاده می‌کند. جواد به‌دلیل اینکه در سراسر دنیا تئاتر دیده است، با طراحی نور روز دنیا آشناست. وقتی این دو مورد با هم ترکیب می‌شوند، می‌توانیم فضایی بوی و متفاوت از مرده‌شورخانه‌ای که دیگران طراحی کرده‌اند، ببینیم. از سوی دیگر، عاطفه پاکبازنیا هم یک بازیگر صرف نیست؛ مترجم، پژوهشگر و عکاس است و البته همسر جواد هم هست که تعامل بین خودشان را نیز دو چندان می‌کند که جمع همه آنچه شد، نتیجه‌اش این حرف‌ها و این سه‌گانه است.

شاهسواری: ما نیازمند تعریف شغلی روشن هستیم

ما بر اساس همه موازین حقوقی و جاری تلاش می‌کنیم مسائل و مشکلاتی را که در این حوزه داریم، با کسب یک موقعیت اداری و حقوقی که آن هم کمیته مشترک بین خانه سینما، خانه تئاتر و خانه موسیقی و سازمان تأمین اجتماعی است، با آرامش و البته سرعت و نیت مسالمت‌جویانه حل‌وفصل کنیم».
او ادامه داد: «آقای وزیر، ما نیازمند تعریف شغلی روشن و واحد در سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار هستیم. شما می‌دانید که موسیقی، تئاتر و سینما معضل ما نیست، بلکه راه‌حل ماست. این راه‌حل را برای اول‌وفصل بسیاری از مشکلات جامعه ما دست‌کم نگیرید.

نگاه تازه

رفتن یا نرفتن؟!



● شاید کمتر کسی غیر از اهل فرهنگ و هنر با این‌گونه دعوت‌ها چنین درگیر تضاد و مشکل انتخاب نشود. برگزیدن بین رفتن و نرفتن، بین حضورداشتن یا نداشتن. خصوصا اگر از پس سال‌ها تلاش، پیگیری و به‌دور از هرگونه سفسارش، کانال، رانت و تلاش‌ها برای ندیدن، در پیرانه‌سری به موقعیتی در حرفه‌ات رسیده باشی که دیگر نشود نادیدهات گرفت، با دعوت رئیس‌جمهور کشور برای شرکت در یک افطاری؛ با دعوت رئیس‌جمهوری که خود به آن رای داده‌ای، انتخابش کرده‌ای و دیگران را هم در نوشته‌هایت به شرکت در رای‌گیری دعوت کرده‌ای، حال تازه سرگردانی بین: رفتن یا نرفتن؟ گفته‌ای می‌آیم، ولی بگذارید به نمایندگی از جامعه تجسمی صحبت کنم و جواب شنیده‌ای که آنان که باید صحبت کنند از قبل انتخاب شده‌اند. در کلنجاری و مدام از خودت می‌رسی انگیزه‌های رفتن چیست و نرفتنم چه کارکرد و پیامی را می‌رساند؟! اینک او، همان کسی که انتخابش کرده‌ام در کجا ایستاده؟! من و ما، در کدام سنسوم؟! این ابهام، این سردرگمی از چه و شاید هم، از چه‌ها سرچشمه می‌گیرد؟! همچنان سرگردانی: رفتن یا نرفتن؟! شاید سیاست‌ورزان نیز در بسیاری مقاطع به چنین کرداری گرفتار شوند؛ گفتمان بین سود و زیان، مصلحت، وظیفه و وجدان، ولی مشکل انتخاب اهل فرهنگ از نوعی دیگر است، این جماعت پیش از نیازهای روانی و شخصی‌شان، با مسئولیت اجتماعی، افکار عمومی، قضایات دیگران و نظر آیندگان دست‌به‌گریباند. سؤال همچنان باقیست: رفتن یا نرفتن.

زیر آسمان فیروزهای

فیلمی از ابراهیم گلستان در تلویزیون

● مستند ایرانی «موج، مرجان، خارا» به کارگردانی مشترک ابراهیم گلستان و آلن پندری، چهارشنبه، ۹ خرداد، ساعت ۲۱ برای نخستین‌بار از تلویزیون پخش می‌شود. به گزارش روابطعمومی شبکه



مستند سیما، شانزدهمین قسمت از سری جدید مجموعه «کنجینه» به تهیه‌کنندگی حنیف شهیرار، با پخش مستند «موج، مرجان، خارا» روی آنتن می‌رود. شهیرار در این زمینه گفت: «موج، مرجان، خارا» از فیلم‌های مهم ساخته‌شده در دهه ۴۰ است که از گسترش پیشرفت فضای نفتی ایران در آن سال‌ها خبر می‌دهد. در این مستند که به گفتار متن فوق‌العاده و مونتاژ بی‌نظیرش مشهور است، واژه‌ها و مونتاژ به شیوه هنرمندانه‌ای کنار هم قرار گرفته و فیلم را آهنگین کرده‌اند. وی تصریح کرد: این مستند فردا شب ساعت ۲۱ از شبکه مستند پخش می‌شود و بازپخش آن نیز روز پنجشنبه، ۱۰ خرداد، ساعت ۹ خواهد بود.

برگزاری ضیافت ماه رمضان خیره مهر لیلا

● گروه هنر: هفتمین ضیافت ماه رمضان خیره مهر لیلا، به همت لیلا بلوکات، بازیگر سینما و با حضور جمعی از هنرمندان، ورزشکاران و خیرین در مرکز همایش‌های بین‌المللی راینز برگزار شد. این ضیافت به صرف افطار و شام و پس از آن برگزاری برنامه‌های شاد و اجرای خوانندگان میهمان بود که در خلال آن قرعه‌کشی، تقدیر و تشکر از خیرین و مؤسس خیریه‌های مختلف انجام شد. مجریان ویژه برنامه‌های این مراسم، جواد رضویان و علی اوجی بودند. در این مراسم، مانند سال‌های گذشته تعداد زیادی از چهره‌های حوزه‌های مختلف هنری، از جمله پوری بنایی، کتایون ریاحی، کوروش تهامی، آذر معماریان، فرزاز حسنی، محمد سلوکی، بهاره کیان‌افشار، بهاره رهنما، مرجانه گلچین، الهام حمیدی، لیندا کیانی، مریم امیرجلالی، سیدعلی صالحی، جواد رضویان، علی اوجی، محمد مسلمی (عمو فیتله)، ماکان‌بند (امیر و رهام)، حامد همایون، امید حاجیلی، حجت اشرفزاده و ... حضور داشتند.

تصحیح یک نام

● در شماره ۳۱۵۶ و ۳۱۵۷ یک مقاله دوقسمتی از مهدی صدرائی به نام نگاهی به فیلم‌های اخیر اصغر فرهادی درج شده که نام نویسنده به اشتباه مهدی صدی ذکر شده که ضمن پوزش، این تصحیح نام همین‌جا به اطلاع خوانندگان می‌رسد.